گزارش

روایت «شرق» از بین خطوط حضور وزیر کشور پاکستان در تهران

سفر به وقت بحران

موسی موحد: سفر دیروز دوشنبه سیدمحسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، بـه تهران در شـرایطی انجام می‌شـود که بحران منطقـه در یکی از پرتنش‌ترین مقاطع خود قرار دارد؛ ازاین‌رو، سفر این وزیر پاکستانی را نمی‌توان صرفا در چارچوب رایزنی‌های معمول میان تهران و اسـلام‌آباد تفسـیر کرد، بلکه زمان‌بندی آن، در متن تحولات جاری منطقه، به آن اهمیتی فراتر از یک سـفر رسمی می‌بخشد. به هر حال باید اذعان داشت که تهران و واشنگتن همچنان در وضعیت بن‌بسـت قـرار دارند، نگرانی‌ها درباره ازسـرگیری دور تازه‌ای از درگیری نظامی افزایش یافته، وضعیت تردد در تنگه هرمز شـکننده اسـت و هم‌زمان جبهه یمن نیز با تشـدید حملات انصارالله علیه اهدافی در عربستان وارد مرحله‌ای تازه شده است. در چنین شرایطی، اسلام‌آباد بار دیگر تلاش می‌کند خود را در قامت یکی از کانال‌های ارتباطی میان بازیگران بحران تثبیت کند؛ نقشی که پاکستان در ماه‌های گذشته نیز بر عهده داشته و محسن نقوی در کنـار ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکسـتان، یکی از چهره‌های فعال آن بوده است. منابع پاکستانی و رسانه‌های منطقه‌ای نیز سفر اخیر او را ششمین سفرش به تهران از زمان آغاز جنگ اخیر توصیف کرده‌اند. لذا اهمیت این سـفر را می‌توان دسـت‌کم از دو زاویه بررسـی کرد؛ زاویه نخست، تلاش اسـلام‌آباد بـرای زنده نگه‌داشـتن مسـیرهای میانجی‌گرانه میـان تهران و واشـینگتن و جلوگیری از آن چیزی اسـت که اکنون بیش از هر زمان دیگری به‌عنوان خطر بازگشت به دور تازه‌ای از تشدید نظامی مطرح است. این تحرک هم‌زمان با سفر عباس عراقچی به نیویورک و در آستانه سفر مسعود پزشکیان به مقر سـازمان ملل صورت می‌گیرد؛ یعنی درست در مقطعی که دیپلماسی ایران در سطح بین‌المللی فعال‌تر می‌شود و کانال‌های غیرمستقیم نیز اهمیت مضاعف پیدا می‌کنند. از سـوی دیگر، نباید سـفر نقوی را صرفا در چارچوب تهران ـ واشـینگتن دید. جبهه یمن اکنون به یکی از کانون‌های اصلی بحران منطقه تبدیل شده است؛ حوثی‌ها در هفته‌های اخیر حملات خود به عربستان را تشـدید کرده‌انـد و کنتـرل بخش‌هایی از سـاحل دریای سـرخ و نزدیکی باب‌المندب، تهدیدی مستقیم برای امنیت انرژی و کشتیرانی ایجاد کرده است. این مسئله برای پاکسـتان اهمیتی دوچندان یافته است؛ زیرا اسلام‌آباد از یک سو در سپتامبر ۲۰۲۵ با ریاض پیمان دفاعی متقابلی امضا کرد که بر مبنای آن، تعـرض به هریک از دو کشـور، در چارچوب توافق، تعـرض به دیگری تلقی می‌شـود و از سـوی دیگر، با امضای پیمـان مکه در آگوسـت ۲۰۲۶ در کنار عربسـتان و ترکیه، وارد چارچوب تازه‌ای از همکاری‌های دفاعی و امنیتی شد که بر تقویت بازدارندگی و هماهنگی دفاعی سه کشور استوار است. از همین رو، تشـدید بحران یمن و گسـترش دامنـه ناامنی در دریای سـرخ و پیرامون باب‌المنـدب، صرفا یک تحول بیرونی برای اسـلام‌آباد نیسـت، بلکه آزمونی مسـتقیم برای نحوه ایفای نقش پاکستان در معماری امنیتی جدید منطقه به شـمار می‌رود که در آن، اسـلام‌آباد باید میان تعهـدات امنیتی خود در قبال ریاض، ضـرورت حفظ روابط راهبـردی با تهران و تلاش بـرای جلوگیری از سرریزشدن بحران به یک رویارویی فراگیر منطقه‌ای، توازن برقرار کند. از همین منظر، می‌توان تحرک دیپلماتیک اسـلام‌آباد را واجد دو لایه هم‌زمان دانست؛ تلاش برای جلوگیری از شعله‌ورشدن دوباره جنگ ایران و آمریکا و تلاش برای مهار سـرریز بحران یمن به حوزه امنیت عربستان و آبراه‌های منطقه. اینکه آیا نقوی حامل پیام مشـخصی از ریاض یا واشنگتن بوده یا خیر، هنوز به‌صورت رسـمی تأیید نشده است و حتی تهران تأکید کرده که برای این سفر تبادل پیام مشـخصی در دستور کار نیست. با این حال، هم‌زمانی سفر با افزایش حملات در یمن و فعال‌شـدن دوباره کانال‌های میانجی‌گری قطر و پاکسـتان، نشـان می‌دهد که دیپلماسـی منطقه‌ای در حال تلاش برای جلوگیری از تبدیل چند بحران موازی به یک جنگ فراگیر است.

میانجی‌گری در سایه بن‌بست تهران و واشنگتن؛ اسلام‌آباد چه می‌خواهد؟

محسـن نقوی، وزیر کشور پاکسـتان، بعدازظهر دوشنبه وارد تهران شد و این حضور در یکی از حسـاس‌ترین مقاطع جنگ ایران و آمریکا انجام می‌شـود؛ زمانی که دیپلماسـی هنوز از صحنه کنار نرفته، امـا فاصله میان «بازماندن مسـیر گفت‌وگو» و «رسـیدن به یک توافق سیاسـی» همچنـان قابل توجه اسـت. در همین روزها، قطر از نزدیک به دو هفته رایزنی فشـرده برای یافتن راهی جهت ازسـرگیری مذاکرات تهران و واشـینگتن خبر داده و گفته است میانجی‌های این کشـور میان پایتخت‌های مختلف در رفت‌وآمدند. در سوی دیگر، مقام‌های آمریکایی نیز از بازبودن مسیر مذاکره سخن می‌گویند، هرچند این موضع همچنان با تأکید بر شـروط واشینگتن همراه است. مسئله اکنون بیـش از آنکه به نبودِ کانال ارتباطی میان تهران و واشـینگتن مربوط باشـد، به دشـواری عبور از مرحله رایزنی به مرحله تصمیم‌گیری بازمی‌گردد. ایران شـروط خود را از طریق میانجی‌ها منتقل کرده و درباره بازگشـت به ترتیبات پیشـین، مسئله تحریم‌ها، تضمین‌ها و وضعیت تنگه هرمز موضع مشخصی دارد. در مقابل، واشـینگتن نیز همچنان از مذاکره می‌گوید، اما چارچوبی که برای توافق در نظر دارد با خواسـته‌های تهران فاصله دارد. همین شـکاف اسـت که باعث شده فعال‌شـدن کانال‌های دیپلماتیک، به‌تنهایی به معنای نزدیک‌شدن دو طرف به توافق نباشد. در چنین شرایطی، پاکستان تلاش کرده اسـت جایگاه خود را به‌عنوان یکی از معدود بازیگرانی حفظ کند که امکان گفت‌وگو با هر دو طرف را دارد. سـفرهای مکرر نقوی به تهران نیز در همین چارچوب قابل توجه است؛ او از آغاز جنگ در فوریه، ششمین بار است که به ایران سفر می‌کند و منابع پاکسـتانی می‌گویند در این سفر، علاوه بر تحولات منطقه‌ای، موضوع احیای مذاکرات متوقف‌شده ایران و آمریکا نیز مورد توجه قـرار خواهد گرفت. با این حال، تهـران درباره ماهیت مأموریت نقوی روایت محتاطانه‌تری ارائه می‌کند. اسـماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، محور رسمی سفر را روابط دوجانبه و پیگیری تفاهم‌های میان رهبران دو کشـور دانسته و تأکید کرده است که از طرح مشخصی برای میانجی‌گری اطلاعی ندارد. گزارش تسـنیم نیز صریح‌تر اعلام کـرده که نقوی حامل پیام مشـخصی میان ایران و آمریکا نیسـت و تهران نیز پیامـی از طریق او برای واشـینگتن ارسـال نخواهد کرد. اما میانجی‌گری الزاما به معنای جابه‌جایی یک پیام رسمی نیست. در بسیاری از بحران‌های بین‌المللی، بخش مهمی از این فرایند در سـطحی غیرعلنی‌تر رخ می‌دهد؛ سنجش خطوط قرمز، انتقال برداشـت طرفین از مواضع یکدیگر، آزمودن امکان مصالحه و ارزیابی اینکه آیا فضای سیاسـی برای بازگشـت به مذاکره فراهم شده اسـت یا نه. از این منظر، حتی اگر مأموریت رسمی نقوی در تهران «دوجانبه» تعریف شده باشد، قرارگرفتن این سـفر در میانه تلاش‌های هم‌زمان قطر برای احیای مذاکرات، اهمیت آن را فراتر از قالب رسـمی سـفر قرار می‌دهد. در واقع، پاکسـتان و قطر اکنون در دو مسـیر موازی، اما تا حدی هم‌پوشـان، تلاش می‌کنند کانال دیپلماسـی میان تهران و واشـینگتن بسـته نشـود. تفاوت در اینجاست که هیچ‌یک هنوز نتوانسـته‌اند شکاف اصلی بر سر شروط توافق را برطرف کنند. بنابراین، اهمیت سفر نقوی را نباید در انتظار یک «پیام تعیین‌کننده» یا توافق فوری جسـت‌وجو کرد؛ اهمیت آن بیشتر در این است که اسلام‌آباد می‌کوشد در لحظه‌ای که میدان نظامی همچنان فعال است، امکان گفت‌وگو را از میان نبرد و خود را در زمره بازیگرانی نگه دارد که می‌توانند در صورت فراهم‌شدن اراده سیاسی، به کاهش فاصله میان دو طرف کمک کنند.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

«شرق» سفر مسعود پزشکیان به سازمان ملل را در میانه تهدیدهای ترامپ، نگرانی‌های امنیتی و اختلاف‌نظرهای داخلی درباره ادامه دیپلماسی بررسی می‌کند

نیویورک؛ میان تریبون و تهدید

زهره فراهانی: پزشـکیان چهارشـنبه در خاک کشـوری سخنرانی می‌کند که در جنگ علیه ایران مشـارکت داشـته اسـت. محمود واعظـی در گفت‌وگـو با «شـرق» از ضرورت اسـتفاده از فرصت دیپلماسی می‌گوید و حسین کنعانی‌مقدم، با وجود پذیرش ظرفیت سازمان ملل، معتقد است در شرایط فعلی بهتر بود رئیس‌جمهور به نیویورک نمی‌رفت. سفر مسـعود پزشکیان به نیویورک پیش از آغاز، بحث‌های متفاوتی در فضای سیاسـی ایران برانگیخته است؛ از امید به گشایش دیپلماتیک تا نگرانی درباره امنیت رئیس‌جمهور و احتمـال بهره‌برداری ترامپ از این سـفر. در شـرایطی که تهران از طریق قطر شـروط خود را برای پایان جنگ به واشنگتن منتقل کـرده و ترامپ هم‌زمان از احتمال ملاقات و حمله دوباره سـخن می‌گوید، پرسش اصلی این اسـت که حضور پزشکیان در سازمان ملل، چه امکانی برای ایران ایجاد می‌کند و این سـفر تا چه اندازه می‌تواند به نتیجه‌ای فراتر از یک سـخنرانی منجر شود؟ پزشکیان قرار است چهارشنبه پشت تریبون سازمان ملل بایستد؛ در کشوری که چند ماه قبل با ایران وارد جنگ شـد. هنوز از تهران پرواز نکرده، اما درباره رفتنش بحث بالا گرفته است. بعضی‌ها از فرصتی برای گفت‌وگو می‌گویند و بعضـی دیگر از خطر حضور در خاک آمریکا. حتی نام نیکلاس مادورو دوباره در بحث‌های مربوط به این سـفر مطرح شـده است. مسعود پزشکیان این بار برای یک سفر معمول دیپلماتیـک به نیویورک نمی‌رود؛ دسـت‌کم در داخل ایران، چنین نگاهی به سـفر او وجود ندارد. رئیس‌جمهور سه‌شنبه ۳۱ شهریور عازم نیویورک می‌شود و چهارشـنبه اول مهر، برابر با ۲۳ سپتامبر، در هشـتادویکمین مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی خواهد کرد. دیدار با برخی سران کشورها، ایرانیان مقیم آمریکا و گفت‌وگو با نخبگان و اندیشکده‌ها نیز در برنامه اعلام‌شده سفر قرار دارد. اما آنچه این سـفر را به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز سیاست ایران تبدیل کرده، فهرست دیدارها نیست؛ شرایطی است که پزشکیان در آن راهی نیویورک می‌شود. از جنگ ۴۰روزه تا تهدیدهای تازه ترامپ، از محاصره دریایی و فشـار اقتصادی تا بحث ادامه مذاکرات، همه اینها همراه رئیس‌جمهور به نیویورک می‌روند. در داخل کشـور نیز اختلاف بر سـر سفر او فقط میان موافقان و مخالفان سنتی مذاکره نیسـت؛ برخی چهره‌هایی که از دیپلماسـی دفاع کرده‌اند، این بار درباره ضرورت حضور رئیس‌جمهور در آمریکا تردید دارند و برخی چهره‌های اصولگرا نیز در کنار پذیرش ظرفیت سازمان ملل، درباره خطرات سیاسی و امنیتی سفر هشـدار می‌دهند. در نتیجه، ماجرا دیگر به این سؤال محدود نیسـت که پزشکیان برود یا نرود؛ سؤال این است که او در نیویورک چه امکانی برای تغییر شرایط دارد و آیا زمینه‌ای برای استفاده عملی از آن وجود دارد؟

اختلافی فراتر از موافقان و مخالفان مذاکره

محمدجـواد آذری‌جهرمی، وزیـر ارتباطات دولـت روحانی، ازجمله کسـانی است که در آستانه سفر پزشکیان موضع متفاوتی گرفت. او در صفحه شـخصی خود نوشـت: کارکرد دیپلماسـی گاهـی اقتضا می‌کنـد در برخی اجلاس‌ها و مجامـع حضور پیدا نکنیم و در شـرایط خاص، دسـتاورد حضورنداشـتن در سـطح رئیس‌جمهور می‌تواند بیشـتر از حضور در همان سطح باشد. این موضع روز دوشـنبه ۳۰ شهریور نیز در رسانه‌ها بازتاب یافت. حرف آذری‌جهرمـی از این جهـت اهمیت دارد که مخالفتش با سـفر را نمی‌توان به مخالفت با اصل دیپلماسـی تعبیر کرد؛ او در واقع درباره زمان، سـطح و فایده حضور رئیس‌جمهور سؤال می‌کند. آیا همه فرصت‌های دیپلماتیک الزاما با حضور عالی‌ترین مقام اجرائی کشور به نتیجه بهتری می‌رسـند؟ یا گاهی می‌توان همان مسیر را در سـطح وزیر امور خارجه دنبال کـرد و از حضور رئیس‌جمهور به‌عنوان یک ابزار سیاسی استفاده نکرد؟ در سوی دیگر، مسئله برای برخی جریان‌های سیاسی، چگونگی حضور است. کیهان در آستانه سـفر بر ضرورت بیان صریح مواضع ایران درباره آمریکا و اسرائیل تأکید کرده و اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، هشدار داده است نباید در این سفر پیامی ارسال شود که طرف مقابل آن را نشانه ضعف ایران تلقی کند. در این میان، واکنش‌های شبکه‌های اجتماعی فقط به موضع‌گیری درباره سـفر محدود نمانده اسـت؛ بحث امنیت رئیس‌جمهور نیز به یکی از محورهای گفت‌وگو تبدیل شده؛ موضوعی که حسین کنعانی‌مقدم در مصاحبه اختصاصی با «شرق»، به صراحت درباره آن سخن می‌گوید و حتی احتمال اقدام علیه جان پزشـکیان را به‌عنوان یک سـناریوی نگران‌کننده مطرح می‌کند. این نگرانی با یادآوری سرنوشـت نیکلاس مادورو شـکل ملموس‌تری پیدا کرده است. نیروهای آمریکایی سوم ژانویه ۲۰۲۶ در عملیاتی نظامی در ونزوئلا، مادورو و همسرش را بازداشت و به آمریکا منتقل کردند. رویترز در گزارش همان روز جزئیاتی از طراحی و اجـرای این عملیات منتشـر کرد. با این حال، میـان یک نگرانی سیاسـی و وجود طرح مشخص امنیتی تفاوت وجود دارد. تا زمان تنظیم این گزارش، شواهد عمومی معتبر درباره برنامه‌ای مشخص برای بازداشـت یا ترور پزشکیان در جریان سفر سازمان ملل منتشر نشده اسـت. مقایسه با مادورو نشـان‌دهنده یکی از دلایل نگرانی مطرح‌شده است؛ نه سندی که ثابت کند قرار است همان اتفاق در نیویورک تکرار شود. درباره گستردگی این نگرانی نیز باید محتاط بود. نمونه‌های منتشرشده و اظهارات چهره‌های سیاسی، وجود بحث را نشـان می‌دهند، اما بدون بررسـی جامع داده‌های شبکه ایکس نمی‌توان آن را نظر اکثریت کاربران یا جامعه ایران دانست.

ترامپ پارسال، ترامپ امسال

برای فهمیدن موقعیت پزشـکیان در نیویورک، باید به سخنان کسی هم برگشـت که امسال دوباره پشت همان تریبون می‌ایستد؛ دونالد ترامپ. رئیس‌جمهور آمریکا در سـخنرانی سـپتامبر ۲۰۲۵ خود در سازمان ملل، از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به‌عنوان موفقیتی نظامی سـخن گفت و مدعی شـد توان غنی‌سازی ایران را از بین برده اسـت. او همچنین خـود را عامل پایان جنگ ۱۲روزه ایران و اسـرائیل معرفی کرد. در روایـت آن روز ترامپ، آمریکا به اهداف مدنظر خود رسـیده و جنگ را پایان داده بود. اما سـپتامبر ۲۰۲۶ بـا آن تصویر فاصله دارد. جنگ تازه‌ای از نهم اسـفند ۱۴۰۴ آغاز شـد، رویارویی نظامـی ماه‌ها ادامه پیدا کـرد و اکنون آمریکا با مسـئله‌ای روبه‌روسـت که فقط به توان نظامـی ایران محدود نمی‌شود؛ وضعیت تنگه هرمز، امنیت کشورهای منطقه، صادرات انـرژی و هزینه‌های اقتصـادی جنگ نیز به بخـش مهمی از این بحران تبدیل شـده‌اند. رویترز در گزارش ۱۸ سپتامبر، تفاوت فضای امسـال با ادعاهای ترامپ درباره پایان جنگ در سـال گذشـته را بررسی کرده اسـت. ترامپ ۱۷ سپتامبر در گفت‌وگو با آکسیوس از قرارگرفتن در آستانه تصمیمی مهم درباره آینده جنگ سخن گفت و احتمال آغاز دوباره حملات گسترده را مطرح کرد. او توضیح داد که می‌خواهد در حاشیه سازمان ملل نظر رهبران کشورهای خلیج فارس را درباره مرحله بعدی جنگ بشـنود. سـه روز بعد اما خبر دیگری منتشر شد. ترامپ در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز، آمادگی مشروط خود را برای ملاقات با پزشـکیان مطرح کـرد؛ آن‌هم در حالی که تهدیدهای اقتصادی و نظامی علیه ایران را کنار نگذاشـته بود. این دو موضع الزاما به معنای تغییر قطعی سیاسـت آمریکا نیسـتند. ترامپ می‌تواند هم‌زمان از فشار نظامی و امکان مذاکره بگوید، اما تا زمانی که پیشـنهاد مشخص، دستور کار توافق‌شده یا تغییری در اقدامات عملی واشنگتن دیده نشـود، نمی‌توان از آغاز یک مسیر تازه دیپلماتیک به‌عنوان اتفاقی قطعی خبر داد. از طرف دیگر، اعلام آمادگی برای ملاقات با رئیس‌جمهور ایران با برنامه‌ریزی یک دیدار رسـمی تفاوت دارد. تا زمان تنظیم این گزارش، ملاقات پزشکیان و ترامپ به‌عنوان برنامه‌ای قطعی اعلام نشده است.

واشینگتن پیش از نیویورک چه می‌گوید؟

آنچه در آسـتانه سفر پزشـکیان در واشنگتن جریان دارد، تنها به اظهارات علنی ترامپ محدود نیسـت. آکسیوس ۱۶ سپتامبر به نقل از سـه منبع آگاه گـزارش داد رئیس‌جمهور آمریکا قصد دارد در حاشـیه مجمع عمومی با رهبران کشـورهای شورای همکاری خلیج فارس درباره آینده جنگ با ایران گفت‌وگو کند. در گزارش ۱۷ سپتامبر همین رسـانه نیز آمده است که ترامپ می‌خواهد پیش از تصمیم‌گیری درباره مرحله بعدی رویارویی با ایران، مواضع متحدان منطقه‌ای خود را بشـنود. این رایزنی‌ها در شرایطی انجام می‌شوند که همکاری‌های نظامی و امنیتی آمریکا با کشـورهای منطقه نیز ادامه دارد. آکسیوس ۱۵ سپتامبر از نشست فرماندهان ارشد نظامی آمریکا، اسرائیل و هشت کشور عربی در آلمان درباره تحولات جنگ و امنیـت منطقه خبر داد. در نتیجه، نیویورک برای دولت ترامپ دو کارکـرد هم‌زمان پیدا کرده اسـت: رایزنی با متحدان دربـاره آینده بحران و بازگذاشـتن احتمـال گفت‌وگو با ایران. اما پشـت پرده سیاسـت آمریـکا را نمی‌توان صرفا از کنار هـم گذاشـتن این دو خبر کشف کرد. برخی گزارش‌ها براساس گفته‌های منابع آگاه منتشر شده‌اند و بخشی از رایزنی‌ها نیز هنوز به تصمیم رسمی تبدیل نشده است. آنچه مستند است، ادامه هماهنگی‌های منطقه‌ای واشنگتن در کنار اعلام آمادگی مشروط برای دیپلماسی است.

تهران؛ مذاکره‌ای که هنوز از مسیر میانجی می‌گذرد

در تهـران نیز ماجـرا پیچیده‌تر از یک پاسـخ مثبت یا منفی به ترامپ اسـت. محسن رضایی، دبیر شـورای عالی امنیت ملی، ۲۸ شهریور در گفت‌وگو با الجزیره اعلام کرد تهران شروط خود را برای پایان جنگ از طریق قطر به واشـینگتن منتقل کرده و منتظر پاسخ رئیس‌جمهوری آمریکاست. پایان جنگ در همه جبهه‌ها، آزادسازی دارایی‌های مسدودشـده ایران و پایان محاصره دریایی، سه شرطی هسـتند که او به‌طور مشخص نام برده اسـت. این اظهارات نشان می‌دهد مسیر انتقال پیام میان دو کشور متوقف نشده است؛ هرچند انتقال شـروط از طریق میانجی با آغاز مذاکره مستقیم یا دستیابی به توافق تفاوت دارد. همین وضعیت سـفر پزشکیان را حساس‌تر می‌کند. ایران پیش از حضور رئیس‌جمهور در نیویورک، خواسته‌های خود را اعلام کرده اسـت. اگر گفت‌وگویی در حاشیه سازمان ملل شـکل بگیرد، باید دید چه ارتباطی با این شـروط خواهد داشت و آیا طرف مقابل پاسخی مشـخص به آنها ارائه کرده است یا نه. از همین‌جا اختلاف نگاه واعظی و کنعانی‌مقدم نیز روشن‌تر می‌شود. واعظی معتقد اسـت دسـتاوردهای جنگ باید از مسیر مذاکره به امتیازاتی برای آینده کشور تبدیل شود. کنعانی‌مقدم اما نگران تکرار چرخه‌ای اسـت که به اعتقـاد او، در آن مذاکره و آتش‌بس ممکن اسـت به فرصتی برای فشار دوباره آمریکا تبدیل شود. این دو نگاه، با وجود تفاوت سیاسـی صاحبان آنها، هر دو به مسئله‌ای مشترک برمی‌گردند: ایران از ادامه این وضعیت چه می‌خواهد و چه توافقی می‌تواند منافع مدنظرش را تأمین کند؟

نیویورک پارسال چه چیزی را تغییر داد؟

پزشکیان سال گذشته نیز پس از یک جنگ به سازمان ملل رفت. این نکته در مقایسه دو سـفر مهم است؛ زیرا نمی‌توان گفت سال ۱۴۰۴ یک سـفر عادی دیپلماتیک بود و امسـال اولین حضور او در شرایط پساجنگ است. رئیس‌جمهور ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵ در مجمع عمومی سخنرانی کرد و در حاشـیه اجلاس با مقام‌هایی ازجمله امانوئل مکرون دیدار داشـت. آن زمان، پرونده هسته‌ای و احتمال بازگشـت تحریم‌های سـازمان ملل از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی ایران بود. مکرون نیز پس از دیدار با پزشـکیان بر ضرورت رسـیدن به راه‌حلی درباره همکاری ایران با بازرسان هسته‌ای تأکید کرد. اما تلاش‌ها برای به‌تعویق‌انداختن بازگشت تحریم‌ها به نتیجه نرسید. شـورای امنیت ۲۶ سپتامبر پیشنهاد روسـیه و چین را برای تعویق این فرایند رد کرد و تحریم‌های سـازمان ملل دوباره برقرار شـدند؛ تصمیمی که ایران، روسـیه و چین به اعتبـار حقوقی آن اعتراض کردند. این اتفاق یکی از نتایج مشـخص سـفر سال گذشته است، نه تمـام کارنامه آن. ملاقات‌های دیپلماتیک انجام شـدند، اما در پرونده بازگشـت تحریم‌ها توافق مدنظر تهران حاصل نشد. امسال موضوعات گسـترده‌تری مطرح هسـتند؛ علاوه بر پرونده هسته‌ای و تحریم‌هـا، آینده جنـگ، امنیت مسـیرهای دریایی، آزادسـازی دارایی‌های ایران و وضعیت کشـورهای منطقه نیز در میان است. تفاوت دیگر به شرایط حضور هیئت ایرانی مربوط می‌شود. وزارت خارجه آمریکا ۱۷ سـپتامبر اعلام کرد هیئت اصلی ایران، ازجمله مسعود پزشکیان و عباس عراقچی، اجازه حضور در مجمع عمومی را دارند، اما تعداد اعضای هیئت کمتر از سـال گذشته خواهد بود و محدودیت‌های رفت‌وآمد و خرید نیز اعمال می‌شـود. حبیب‌الله عباسـی، مدیـرکل روابط‌عمومی دفتـر رئیس‌جمهـور نیز اعلام کرده که برای اعضای تیم رسـانه‌ای همراه پزشکیان ویزا صادر نشده و رئیس‌جمهور با هیئتی حداقلی سـفر می‌کنـد. محدودیت تیم رسـانه‌ای کاملا مختص امسال نیست و در سـفر سال گذشته نیز گزارش‌هایی درباره صادرنشدن ویزای خبرنگاران و عکاسان همراه رئیس‌جمهور منتشـر شـده بود. بنابراین تفاوت اصلـی را باید در مجموع شرایط جنگی، کوچک‌ترشدن هیئت و اهمیت بیشتر روایت رسانه‌ای ایران در وضعیت فعلی جست‌وجو کرد.

نفت پیش از دیپلمات‌ها واکنش نشان داد

یک بعد دیگر این سـفر، به بازار انرژی مربوط می‌شـود؛ بازاری که برای واکنش به احتمال مذاکره، منتظر برگزاری ملاقات رسمی نمی‌ماند. رویترز ۲۱ سـپتامبر گـزارش داد بهای نفت به پایین‌ترین سـطح ۱۱ روز اخیر رسیده است. امید به پیشرفت دیپلماتیک میان ایـران و آمریکا و بهبود نسـبی صادرات نفت عربسـتان از جمله عوامل ایـن کاهش عنوان شـده‌اند. قیمت برنـت در این گزارش حدود ۱۰۱ دلار و ۷۵ سـنت در هر بشـکه ثبت شده است. بنابراین حتی سـخن‌گفتن از احتمال ملاقات، در کنار دیگر تحولات عرضه نفت، می‌توانـد بر انتظارات بـازار اثر بگذارد. امـا نمی‌توان تمام تغییرات قیمت را به سـفر پزشکیان یا اظهارات ترامپ نسبت داد. کنعانی‌مقدم در مصاحبه با «شـرق» از تعبیـر «آتش‌بس نفتی» اسـتفاده می‌کند. برداشت او این اسـت که ترامپ ممکن است از کاهش تنش، حتی در سـطح رسـانه‌ای، برای پایین‌آوردن قیمت انرژی و کاهش فشـار سیاسـی بر جمهوری‌خواهان استفاده کند. واعظی نیز انتخابات پیش‌روی آمریکا را یکی از عوامل مؤثر بر رفتار دولـت ترامپ می‌داند. این تحلیل‌ها در کنار داده‌های بازار اهمیت پیدا می‌کنند، اما هنوز سند مستقلی وجود ندارد که نشان دهد هدف اصلی اعلام آمادگی ترامپ برای ملاقات با پزشکیان، صرفا کاهش قیمت نفت بوده است.

از میناب تا نیویورک، روایت جنگ چه جایگاهی دارد؟

اما یکی از مهم‌ترین موضوعات سفر، نه دیدار احتمالی با ترامپ است و نه نوسان قیمت نفت. پزشکیان در شرایطی پشت تریبون سازمان ملل قرار می‌گیرد که چند روز قبل، یافته‌های تازه‌ای درباره حمله آمریکا به مدرسه شجره طیبه میناب منتشر شـده است. هیئت مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل ۱۷ سـپتامبر اعلام کرد دلایل معقولی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکا مسئول حمله به دبستان شجره طیبه میناب و مجموعه ورزشی لامرد بوده و این حملات از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شوند.

بر اساس گزارش رویترز، در حمله به مدرسه میناب بیش از ۱۵۰ نفر، از جمله حدود ۱۲۰ کودک، کشـته شدند. این هیئت همچنین حمله به مجموعه ورزشـی و مناطق مسـکونی لامرد را بررسـی کرده اسـت. دولت آمریکا یافته‌های هیئت را رد کرده اسـت. این گزارش برای دیپلماسی ایران یک امکان مشخص ایجاد کرده است. رئیس‌جمهوری می‌تواند درباره حمله به مدرسـه‌ای پر از کودکان، نه فقط به اظهارات مقام‌های ایرانی، بلکه به یافته‌های یک هیئت مسـتقل بین‌المللی استناد کند. البته یافته‌های هیئت حقیقت‌یاب به معنای صدور حکم قضائی نهایی علیه آمریکا نیست؛ اما سندی اسـت که می‌تواند در پیگیری حقوقی و دیپلماتیک مورد استفاده قرار گیرد. واعظی و کنعانی‌مقدم هر دو در گفت‌وگوهای اختصاصی با «شرق» بر اهمیت استفاده از تریبون سازمان ملل برای بیان آنچه در جنگ بر مردم ایران گذشته تأکید می‌کنند؛ هرچند درباره ضرورت اصل سـفر و نحوه مواجهـه با آمریکا اختلاف دارنـد و این همان نقطه‌ای است که بحث سفر پزشکیان را از احتمال ملاقات با ترامپ فراتر می‌برد. حتی اگر دیداری میان دو رئیس‌جمهور انجام نشـود، مسئله اسـتفاده از تریبون سـازمان ملل برای بیان مواضع ایران و پیگیری موضوع حملات به غیرنظامیان همچنان باقی است.

دو نگاه به یک سفر

محمود واعظی و حسـین کنعانی‌مقدم از دو پیشـینه سیاسی متفاوت به سفر پزشکیان نگاه می‌کنند. واعظی با تجربه حضور در دولت حسن روحانی، بر استفاده از فرصت‌های دیپلماتیک و تبدیل دسـتاوردهای نظامی به امتیازات سیاسی تأکید دارد. کنعانی‌مقدم نیز ظرفیت سـخنرانی ایران در سازمان ملل را می‌پذیرد، اما معتقد است در شـرایط فعلی مخاطرات حضور رئیس‌جمهور در آمریکا باید جدی‌تر در نظر گرفته شـود. وجه مشترک سخنان آنها، توجه به موقعیت ایران پس از جنگ اسـت. تفاوت از جایی آغاز می‌شود کـه باید درباره نحـوه اسـتفاده از این موقعیـت تصمیم گرفت. «شرق» در دو گفت‌وگوی اختصاصی، نظر آنها را درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های سفر رئیس‌جمهور به نیویورک جویا شده است.

واعظی: در این عصر نمی‌توان جنگی را یافت که از طریق دیپلماسی پایان نیافته باشد

محمود واعظی در گفت‌وگو با «شرق» از ضرورت سفر پزشکیان به نیویورک، آینده مذاکرات و رفتار متناقض ترامپ می‌گوید. محمود واعظی بـا تأکید بر ضـرورت حضور رئیس‌جمهـوری در مجمع عمومی سـازمان ملل معتقد اسـت ضروری اسـت تا جمهوری اسلامی ایران از این فرصت جهت تشریح مواضع خود درباره جنگ، مذاکرات و حقوق ملت ایران استفاده کند. وی تأکید کرد که ضروری اسـت دستاوردهای نظامی ایران به پشتوانه‌ای برای تأمین منافع و کسـب امتیازات راهبردی کشور در میز مذاکره تبدیل شود. از طرف دیگر مخالفان دیپلماسی به‌روشنی تبیین کنند که در غیاب مذاکره، چه مسیر و جایگزین عملی و مؤثری برای تأمین منافع ملی در نظر دارند. محمود واعظی، از چهره‌های حزب اعتدال و توسعه، درباره سفر مسعود پزشکیان به نیویورک و انتقادهایی که در فضای مجازی نسبت به این سفر مطرح شـده است، به «شرق» می‌گوید: مجمع عمومی سـازمان ملل متحد فرصتی کم‌نظیر برای کشورهاست تا مواضـع، دیدگاه‌ها و مطالبات خود را در برابر افکار عمومی جهان تبیین کنند. اهمیت این اجلاس تنها به تریبون رسـمی آن محدود نمی‌شود، بلکه حاشـیه‌های دیپلماتیک آن نیز به عرصه‌ای مهم برای گفت‌وگو، رایزنی و دیدار میان مسئولان کشورها تبدیل می‌شود. از همین رو، معمولا دولت‌ها می‌کوشند از این عرصه جهت انتقال پیام سیاسی، گشودن مسیرهای تازه گفت‌وگو و پیگیری منافع ملی خود بهره بگیرند و این ظرفیت مهم دیپلماتیک را از دست ندهند. او با اشـاره به شـرایط ایران پس از جنگ ادامه می‌دهد: با عنایت به مجموعه چالش‌های ایران، جنگ‌های پشـت سـر گذاشته‌شده و فضای سـنگین تبلیغاتی که از سـوی رسـانه‌های غربی و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان شکل گرفته، ضروری است از ظرفیت مجمـع عمومی سـازمان ملل متحـد برای حضـوری قدرتمند، سـنجیده و اثرگذار نهایـت بهره‌برداری صورت گیـرد. این حضور صرفا به سـخنرانی شخص رئیس‌جمهور محدود نمی‌شود، بلکه دیدار با رؤسای کشورهای مختلف و رایزنی با شخصیت‌ها، نخبگان و گروه‌هـای گوناگون نیز بخشـی از این رویداد مهـم دیپلماتیک است. هنر دیپلماسـی در چنین مقطعی آن است که حضور ایران در نیویورک را به فرصتی برای تبیین مواضع، تشـریح واقعیت‌های ایران و تقویت مناسـبات و منافع ملـی تبدیل کند. واعظی حضور رسانه‌های بین‌المللی در نیویورک را نیز فرصتی برای ایران می‌داند و می‌افزاید: حضور گسـترده رسـانه‌های بزرگ و اثرگذار جهان در حاشـیه مجمع عمومی سـازمان ملل، فرصت دیگری برای تبیین مواضع ایران و انعکاس روایت و دیدگاه‌های صلح‌طلبانه نظام برای افکار عمومی بین‌المللی است. در چنین شرایطی، سفر آقای دکتر پزشکیان و هیئت همراه به نیویورک فرصتی مهم برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاسی- رسانه‌ای این اجلاس به شکل توأمان است. ضروری اسـت این فرصت با برنامه‌ریزی دقیق و دیپلماسی فعال و پویا همراه شـود تا حضور ایران تصویری روشـن، مستند و متکی بر منافع ملی از مواضع کشـورمان ارائه دهد. معاون اسبق وزارت امور خارجه درباره موضوعاتی که رئیس‌جمهور باید در سخنرانی‌ها و دیدارهای خود مطرح کند، توضیح داد: طبیعی اسـت که در این سـفر بخش مهمی از مواضع ایران به تبیین ابعاد جنگ تحمیلی و تشـریح روایت جمهوری اسـلامی ایـران از پایمال‌کردن حقوق ایران توسط متجاوزان و جزئیات این مناقشه غیرسازنده اختصاص یابد. ضروری اسـت برای افکار عمومی جهان روشن شود که ایران از منظر خود در مقام دفاع از کشـور قرار داشـته، در مسیر مذاکره حضور داشـته و به باور جمهوری اسلامی ایران، روند گفت‌وگو در پی اقدام نظامی طرف مقابل به شکل یک‌طرفه مختل شده است. همچنین شایسـته است تا ابعاد انسانی جنگ و خساراتی که ملت عزیز ایران متحمل شده‌اند، با زبانی مستند، دقیق و قابل فهم برای افکار عمومی بین‌المللی تشریح شود. این فرصت می‌تواند زمینه‌ای فراهم آورد تا روایت ایران به صورت مستقیم و مستند ارائه شود و از شـکل‌گیری تصویری یک‌جانبه، سانسور و کارگردانی شده توسط دشمنان جلوگیری شود. او ادامه داد: در کنار این موضوعات، تبیین سیاست‌های منطقه‌ای ایران نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران خواهان روابطی سازنده و مبتنی بر احترام متقابل با کشورهای منطقه اسـت و سیاسـت خود را بر پرهیز از جنگ و تنش، همراه با حفظ تـوان دفاعی و صیانت از امنیت ملی، اسـتوار می‌داند. از منظر جمهوری اسـلامی ایران، آغاز این جنگ از سوی طرف مقابل به شـکل یک‌جانبه صورت گرفت و ایران در جریان جنگ تحمیلی ۴۰روزه بـا اتکا به ظرفیت‌های بومی دفاعی خود از تمامیت ارضی کشور صیانت کرد.

تثبیت این واقعیت از سـوی ایران کـه در نهایت طرف متجاوز خواهان آتش‌بس شد می‌تواند بخشـی از روایت دفاعی کشور در تبیین تحولات این دوره برای افکار عمومی منطقه و جهان باشد.

واعظی با اشاره به تفاهم ۱۴ماده‌ای و روند مذاکرات می‌گوید:

موضوع تفاهم‌نامه ۱۴ماده‌ای، روند مذاکرات و مسائل مرتبط با آن، از جمله آنچه جمهوری اسلامی ایران بدعهدی و عدم پایبندی طرف آمریکایی به تعهدات خود می‌داند، از دیگر موضوعاتی است که می‌تواند در سـخنرانی رئیس‌جمهور، گفت‌وگوهای رسانه‌ای و دیدارهای دیپلماتیک ایشان مورد تأکید قرار گیرد. طرح این مباحث، فرصت مناسبی را برای تبیین مواضع ایران، تشریح روند مذاکرات و ارائه روایت کشـور از تعهدات و عملکرد طرف‌های مقابل در برابر افکار عمومی داخلی و بین‌المللی فراهم می‌کند. واعظی در پاسخ به پرسشـی درباره نقش دیپلماسی در شـرایط کنونی و اینکه آیا تجارب دیپلماتیک می‌تواند برای عبور از وضعیت فعلی راهگشـا باشـد، می‌گوید: به زعـم بنده، هیچ جنگـی را نمی‌توان یافت که سرانجام آن به نحوی به عرصه دیپلماسی و تعیین ترتیبات سیاسی منتهی نشـود. اکنون چهار سناریو پیش‌روی ما قرار دارد که هریک اقتضائات، پیامدها و الزامات خاص خود را دارد و شایسـته اسـت با نگاهی واقع‌بینانه و دور از هیجان، مورد بررسـی و گفت‌وگو قرار گیرد. وی در تشریح این چهار وضعیت توضیح داد: حالت نخست آن است که کشور بار دیگر در معرض حمله قرار گیرد، همان‌گونه که در گذشته چنین رخدادی به وقوع پیوست و تکرار آن نیز منتفی نیسـت. در چنین شرایطی، صیانت از تمامیت ارضی و امنیت ملی کشـور اقتضا می‌کند ایران از ظرفیت‌های دفاعی خود برای مقابله با تجـاوز و حفاظت از منافع ملی بهره گیـرد. او ادامه می‌دهد؛ البته جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش و با تجربیات اندوخته آمادگی لازم برای دفاع از کشور را دارد و در صورت تحمیل جنگ، بـا اتکا بـه توانمندی‌های دفاعی خود و حمایـت مردم فهیم از ایران عزیز و سـرزمین و امنیت ملی صیانـت خواهد کرد. حالت دوم، تداوم جنگ اسـت. مقامات جمهوری اسـلامی ایران بارها تأکید کرده‌اند که ایران خواهان ادامه جنگ نیست و ترجیح کشور، حرکت در مسـیر کاهش تنش و برقراری ثبات است. با این حال، در صورت استمرار اقدامات نظامی از سوی طرف مقابل، صیانت از امنیـت و منافع ملی اقتضا می‌کند ایران از ظرفیت‌های دفاعی خود برای مقابله با هرگونه تجاوز استفاده کند. به بیان دیگر، ایران آغازگر جنگ نیسـت، اما در برابر جنگ تحمیلی از توان و ظرفیت لازم برای دفاع از خود برخوردار اسـت. حالت سوم، تسلیم‌شدن اسـت و جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های پس از انقلاب به‌ویژه در کشـاکش این تحولات نشان داده است که در برابر فشار و تهـدید، مسیر تسلیم را انتخاب نمی‌کند و صیانت از اسـتقلال و منافع ملی را جزئی از اصول اصلی خود می‌داند.

ادامه در صفحه ۶